

مردم شرافتمند ایران

فضل الله مجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما

به تاریخ کشور ما اینروزها فصل کم نظیری افزوده می شود، فصلی که از یک طرف هیئت حاکمه غاصب را در حال ارتکاب وحشیانه ترین فجایع غیرانسانی تصویر می نماید و از طرف دیگر حق طلبی ها و مقاومت ها و جانبازیهای مردم پرتحمل و استبدادزده را مجسم می سازد.

هیئت حاکمه فعلی در مدت یکسال فرصتی که از اربابان خارجی خود گرفته است شوم ترین بدبختی ها را برای ملت ایران تدارک دیده است و اکنون که پایان این فرصت نزدیک می شود به مذبحخانه ترین تلاشها متوسل گردیده است. رفراندوم قلبی به راه می اندازد - تا برای تصویب نامه های خلاف قانون که حتی فاقد امضاء دولت وقت می باشد اعتباری فراهم کند - وقتی در این راه با تمام ظاهرسازیهایی که می کند با بی اعتنائی وسیع مردم روبرو می شود، زخمی شده به فکر انتقام می افتد و اوباش حرفه ای خود را به جان مردم می اندازد. هرگونه مقاومت منطقی و استواری را که در مقابل خود احساس می کند اعم از دانشگاه و مسجد و بازار مرکز و شهرستانها و قراء و آبادیها را طعمه آتش می کند. پهلو می درد. دندان می شکند. تیرباران می کند. دسیسه می سازد و ملک عابدیها را قربانی می کند. نعره می کشد و برای فرو نشانیدن آتش خشم خود خون و قربانی می طلبد. در شیراز با بمب و در تبریز با رگبار مسلسل و در قم با دشنه و اسلحه کمربندی. در اصفهان و مشهد و کاشان... هر کجا بنحوی به فکر جبران شکست و مرمت بنای پی در رفته حکومت می باشد.

ولی چه نتیجه ای می گیرد؟ شکست اساسی تر، رسوائی بیشتر و نابودی قطعی تر. پایه های حکومت سیاه استبدادی یکی پس از دیگری فرو می ریزد. فارس در خشم و خون می جوشد. افسران شرافتمند به فرمان وجدان بیدار و شرافت انسانی خود از عملیات غیرانسانی و برادرکشی خودداری می کنند. روحانیت دفاع و جانبازی در اکثر شهرستانها شروع نموده و دیر یا زود جهاد را آغاز خواهد نمود. دانشگاهیان روشنفکران و اصناف، صفوف مبارزه خود را متشکل تر و مستحکم تر از پیش می بینند و به شدت مبارزات خود می افزایند. مبارزات ایرانیان خارج از کشور خصوصاً دانشجویان اوج می گیرد و به ما الهام می بخشد و از ما الهام می گیرد. کارگران و کشاورزان از خواب شومی که هیئت حاکمه در لباس دوستی و دلسوزی برایشان دیده اند خیلی زودتر از آنچه که انتظار می رفت آگاه شده و دشمن مشترک ملت را به رسوائی دعوت می کنند... ولی هیئت حاکمه و اربابان آن به شعارهای توخالی رادیو فرماشی و تیتراهای سیاه روزنامه های دست نشانده و گزارشهای غیرواقعی سازمانچیان دلخوش نموده یا لاقط جز این چاره ای نمی بیند که به تحمیق خود مبادرت ورزد. اگر گاهی هم از این حالت صد درجه بدتر از شاه سلطان حسینی بخود بیایند دیوانه وار نعره می کشند و فرمان صادر می کند و خون می طلبد ولی غافل از اینکه با این فریادها به قشر پيله ای که به دور خود تنیده اند می افزاید و محتوی پوست شیری خود را عریان می سازد.

اکنون حربه هیئت حاکمه متوجه روحانیت است. شکل یورش و غارت و قتل عام کم و بیش شبیه آنچه در دانشگاه تهران گذشت می باشد منتهی با وسعت و درندگی بیشتر و کاملتر. یکبار شکست آشکار از روحانیت آن هم در آستانه حکومت علنی شاه که منجر به پس گرفتن تصویب نامه انجمن های ایالتی و ولایتی گردید گرچه روحانیت را قانع نساخت و حضرت آیت الله خمینی و سایر علمای اعلام در اعلامیه های خود کراراً متذکر شده اند که هیئت حاکمه باید از تجاوز به قانون اساسی و قوانین شرع اسلام ممنوع گردد ولی همین عقب نشینی برای هیئت حاکمه گران تمام شد و در صدد جبران آن بود. همه جوانب را سنجیدند و شرایط را برای انتقام آماده نمودند و شاه را نظر کرده و پدر روحانی معرفی نمودند و بازار اتهامات رواج یافت. روحانی نماهای مزدور خود را مجهز کردند و دستگاههای خبری را تحت کنترل

شدیدتر درآوردند و تعطیلات دانشگاه و بازار و ادارات و مشغولیات نوروزی و پراکنده شدن مردم را مغتنم شمرده و حيله انتقامی خود را به روحانیت شروع کردند ولی هوشیاری مردم خصوصاً رهبران اصیل روحانی همه این نقشه‌ها را درهم شکست. این بار عملاً (شعار کشته دادند و پیروز شدند - کشته می‌شویم و پیروز می‌شویم) دانشگاه تهران به حوزه‌های علمیه قم و شهرهای تبریز و مشهد و... منتقل شده بود و آنقدر مردانه کوشیدند و کشته دادند تا هیئت حاکمه نایافته دم دو گوش گم کرد.

بد نیست که کمی به روش عملیات فعلی هیئت حاکمه دوران انقلاب سفید!! و وظیفه کنونی خود توجه کنیم: اکنون دستگاه، مستقیماً و آشکارا و بدون واسطه به قمار سیاسی پرداخته و ظاهراً این قمار را با تمام سرمایه شروع کرده و لذا آخرین بازی او محسوب می‌شود. یا برد است و یا باخت نهائی. آنچه قطعی و مسلم است در این بازی برد وجود ندارد و خوشبختانه بازی کننده مجبور به این بازی شده و تاکنون عملاً هم مبالغ قابل ملاحظه‌ای از دست داده است. ولی یک خطر است و آن اینکه این بازی متوقف شود و یا بار دیگر بازیگر اصلی به پشت پرده رفته و صحنه را به دیگران بسپارد. خوشبختانه این احتمال هم خیلی ضعیف است و این راه تقریباً مسدود شده ولی وقتی توأم با این احتمال گردد که ممکن است عده از دسته‌های بازنده بطور ناشناس بازی را بهم بزنند و او را باخت نهائی نجات بخشند موضوع درخور اهمیت و توجه می‌گردد. اینجاست که مراقبت لازم است و وظیفه مردم معین می‌گردد. مراقبت در اینکه اولاً بازیگر اصلی بار دیگر پشت پرده نرود و ثانیاً اگر قرار است که کودتا و انقلابی در بازی صورت گیرد بدست ایادی بازنده نباشد که مخفیانه یا آشکارا او را حمایت کند و از مهلکه نجاتش دهند. در این مراقبت گرچه وظیفه سنگین بعهده رهبران مردم است ولی تردید نیست که بیداری و هوشیاری خود مردم نقش قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت و لذا نهضت آزادی ایران به همه مردم شرافتمند و مبارز ایران توصیه می‌نماید که با بیداری و هوشیاری هرچه تمامتر از این صحنه سازیها مراقبت نمایند و یقین داشته باشند پیروزی نهائی از آن ملت است و مسلماً این بیداری و مراقبت آنان زمان رسیدن به پیروزی را کوتاهتر خواهد کرد.

این مراقبت در خط مشی هیئت حاکمه و صورت احتمالی آینده آن است ولی توجه و شناخت تاکتیکها خصوصاً آنها هم در خور کمال اهمیت است. هیئت حاکمه دست نشانده علاوه بر اعمال ترها و تاکتیکهای کم و بیش قدیمی نظیر تز تفرقه بینداز و حکومت کن - غافلگیری - جاسوس بازی - جعل اعلامیه و نشر اکاذیب - عوامفریبی و تظاهر به حمایت و همفکری و خادم بودن و... اکنون از تاکتیکهای طرح ظاهراً پیروز شده کودتای ننگین ۲۸ مرداد که اربابان خارجی در اختیارشان گذاشته بودند در مبارزه برای حفظ حکومت خود استفاده می‌کنند. در هر جنبشی ابتدا مشتی اجامر و اوباش را در سلک همان مبارزان شریف و در پناه قوای انتظامی و توپ و تانک به صحنه می‌فرستند این مزدوران که در کودتای ۲۸ مرداد بطور موقت و با هزینه گزاف استخدام شده بودند چون تعلیم کافی ندیده بودند و پاپیای سرباز و پلیس پیش می‌رفتند و فقط به چوب و چماق مجهز بودند، اکنون تحت عناوین اعضای سازمان مقاومت ملی - سازمان امنیت - کماندو - چترباز و... در استخدام دولت درآمده و تربیت منظم می‌بینند و به دشنه و اسلحه کمری و وسائل دیگر مجهز می‌باشند معذک احتیاج مبرم هیئت حاکمه به این قبیل نیروها موجب شده است که با تهیه مقدار زیادی لباس شخصی و پوشاندن آن بر گروهبان و سربازان گارد شاهی منظور خود را عملی سازند و بهمین جهت دیروز همین نظامیهای خشن و خون آشام با سرهای آلمانی زده و چوبهای خراطی شده و با تجاوز به نام شریف دهقان و کارگر به دانشگاه حمله کردند و امروز همان محتوا، زیر عنوان زائرین حضرت معصومه (ع) یا مردم شریف قم و گاهی هم با غصب لباس روحانیت مدارس علوم دینی قم را به آتش کشیده اند، کتابها سوزاندند و خونها ریختند. بنحوی که در خونخواری و وحشیگری روی سپاهیان مغول را سفید کردند. اکنون وظیفه ماست که این حربه را از دست دشمن بگیریم کشته شدن و حتی عقب در مقابل توپ و تانک و زیر سرنیزه اونفورم پوشان مأمور دولت شرافتمندانه‌تر از کتک

خوردن و اسیر شدن بدست کسانی است که ظاهراً در لباس خود ما و مجهز به چوب و دشنه می‌باشند. برای هیئت حاکمه هم پیروزی با توپ و تانک رسوائی بیشتری ببار می‌آورد. ما بایستی هیئت حاکمه را رسوا سازیم و بهمین جهت برای درهم کوبیدن این قبیل ارانل و اوباش آماده شویم. هر کجا آنان تظاهر کردند بلافاصله در حلقه محاصره خود قرارشان دهیم و به کنارشان بکشیم و از هدف و وظیفه آنها مطلع گردیم. تجهیزاتشان را ضبط کنیم و خودشان را لااقل تا پایان برنامه بی‌خاصیت نگهداریم و در پایان تحویل مقامات انتظامی دهیم. و به این ترتیب است که خیلی زود عملیات معدودی افراد خورده و خوابیده را که برای این روزها تربیت شده‌اند برای این کارها ماموریت (نه ایمان و ازخود گذشتگی) دارند خنثی خواهیم کرد.

در این مورد درنگ جایز نیست. اگر دیر نشده باشد فرصتی هم برای درنگ باقی نمانده است از هر طبقه و صنفی که هستید و با هر گروه و جمعیتی که کار می‌کنید و حتی اگر تنهائید و همفکر و مشاور ندارید و بالاخره حتی اگر جسماً ضعیف و ناتوان می‌باشید معذک یقین داشته باشید که ایمان شما، روح حق طلبی و نوع دوستی شما پیروزی شما را تأمین می‌کند. به خداوند توکل کنید و برای این مبارزه خود را مهیا سازید. پیروی خداوند در حمایت مردم و پیروزی در انتظار شماست. درود فراوان به روان پاک جانبازانی که در جهاد با استبداد و خودسری خون خود را نثار کرده‌اند. سلام به مصدق عزیز و سایر زندانیان شرافتمندی که جان برکف در راه آزادی مبارزه می‌کنند. سلام به روحانیون مجاهد و عالیقدری که در رهبری مسلمانان به دفاع و جهاد از حریم مقدس اسلام و قانون اساسی و به نجات از یوغ اسارت و بندگی لحظه‌ای از پای ننشسته‌اند و به وظایف خود عمل می‌نمایند. پیروز باد همبستگی خلل ناپذیر همه مجاهدین راه حق و آزادی.

نهضت آزادی ایران

خرداد ۴۲